





## مقاومت کوبانی و تحریکات فاشیستی ناسیونالیسم ترک!

مصاحبه فرار آزادی با محسن ابراهیمی

**محسن ابراهیمی:** ناسیونالیسم بدون قرار دادن "ملت" خود در مقابل "ملت‌های" دیگر کارش نمی‌گیرد. باید "ملت‌ها" و یا یک "ملت" به‌مثابه دشمن مهندسی شود و علیه‌اش نفرت پراکنی شود و از آن شیطان سازی شود و بالاخره "ملت" خودی علیه این دشمن تهییج شود تا فضا برای تحریک سیاسی ناسیونالیسم قوم‌پرست آماده شود. از منظر ناسیونالیسم ترک این دشمن اساساً و قبل از هر چیز "ملت فارس" است. "فارسیت‌ها" ترم سیاسی موردعلاقه این‌هاست که مذبوحانه تلاش می‌کند در خودآگاهی مردم ترک‌زبان به‌جای جمهوری اسلامی به‌عنوان مسبب فقر و فلاکت و بی‌حقوقی مردم بنشانند؛ اما از نظر هر ناسیونالیسمی بنا به شرایط می‌توان "ملت دشمن" را بازتعریف کرد. ناسیونالیسم ترک مدت‌هاست در کنار "فارسیت‌ها"، "اکراد" را هم به‌مثابه شیطان دوم قرار داده است و علیه مردم کردزبان به تبلیغات فاشیستی دست‌زده است.

چنین نفرت پراکنی علیه مردم کردزبان یک دلیل عمومی دارد و یک دلیل مشخص که مربوط به شرایط حاضر است.

دلیل عمومی این است که در بخش‌های زیادی از استان آذربایجان مردم کردزبان و ترک‌زبان کنار هم زندگی می‌کنند و به این اعتبار ناسیونالیسم ترک همیشه روی این سرمایه‌گذاری کرده است و می‌کند که این دو بخش مردم را به جان هم بی‌اندازد.

مقاومت مردم کوبانی در برابر جنایتکاران و تروریست‌های داعش تحسین دنیا را برانگیخت و در روز اول نوامبر ما شاهد برپائی تظاهرات همبستگی در ابعاد وسیع ده‌ها هزارنفره در کشورهای مختلف و در ده‌ها شهر جهان بودیم. شهرهای مختلف ترکیه از نظر تعداد مردم شرکت‌کننده در این تظاهرات کاملاً برجسته و متمایز بود. مقاومت مردم کوبانی تبدیل به نمادی از مقاومت در برابر فاشیسم افسارگسیخته اسلامی داعش گردیده است. ولی درست در همین مقطع، افزایش تبلیغات فاشیستی ناسیونالیست‌های ترک علیه مردم کردزبان در ایران که به‌عنوان نمونه از گوناگون‌ترین شاهدش هستیم، سؤالی را در ذهن هر انسان شریف و آزاده مطرح می‌کند که علت این همسوئی تبلیغی ناسیونالیست‌های ترک با تبلیغات فاشیستی دولت ترکیه و داعش‌های حاکم بر ایران چیست؟ یادآوری می‌کنم که اخیراً گوناگون‌ترین تی‌وی خبری مبنی بر درگیری تیمی از نیروهای پ.ک.ک با سپاه پاسداران را به این شکل در سایت رسمی خود درج کرد:

"جمعه ۹ آبان ۹۳، سه تن از اعضای گروه تروریستی پ.ک.ک در ماکو در درگیری با یگان‌های گشت و کمین سپاه پاسداران ایران کشته‌شده‌اند."

**فرار آزادی: نظر شما در رابطه با چنین مضامین تبلیغی ناسیونالیست‌های ترک در آذربایجان علیه مردم کردزبان چیست؟**

یکی از مهم‌ترین خدمات سیاسی ناسیونالیسم قوم‌پرست ترک به جمهوری اسلامی تلاش بی‌وقفه‌اش برای تفرقه انداختن در میان مردم ایران، در اتحاد و همبستگی مردم علیه جمهوری اسلامی است. تحرک این نیروها به حال مبارزه مردم برای رهایی از حکومت اسلامی مضر است. با این حساب باید تأکید کرد که یک وظیفه مهم جنبش‌های پیشرو، آزادپنخواه و برابری طلب در مسیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، افشا و منزوی‌تر کردن و نهایتاً کنار زدن کامل این جریان‌هاست.

شد. شمار زیادی از این افراد در درگیری‌هایی که میان خود تظاهرکنندگان گرد رخ داد، کشته شدند.

به‌عنوان مثالی دیگر به این جملات در سایت گونا تی‌وی دقت کنید و ببینید با چه لحنی از یک‌طرف درباره قربانیان توحش اسلامی و از طرف دیگر دولتی که تحقیر و تبعیض سیستماتیک علیه مردم کردزبان وجه مهمی از هویت سیاسی‌اش است حرف می‌زنند:

«اکنون تروریست‌های کرد قصد دارند چنین پروژه‌ای (منظور راه انداختن کانتونی مثل کوبانی) را در زمان مقتضی در غرب آذربایجان نیز تجربه کنند؛ اما تجربه نخستشان در سوریه با ظهور داعش تنها باعث به خاک و خون کشیده شدن اکراد و مهاجرت صدها هزار نفری و تخلیه سکونت‌گاه‌هایشان شده است. حال معلوم نیست تروریست‌های کرد که برای نجات اکراد آواره سوری از گرسنگی و بی‌پناهی به دولت ترکیه التماس می‌کنند، چگونه به فکر تکرار اشتباهاتشان آن‌هم در اراضی آذربایجان جنوبی هستند! شاید فکر تأسیس کانتون‌ها برای مناطقی همچون سنندج ایده‌ای جالب باشد اما ترک‌های آذربایجان اجازه عملی شدن توطئه‌های انضمام طلبانه اکراد تروریست را به ایشان نداده و نخواهند داد.»

چنین پیش‌بینی‌هایی درباره توطئه تشکیل کانتون در آذربایجان آن‌هم توسط «تروریست‌های کرد» فقط تصورات هذیانی نیروهایی می‌تواند باشد که از مسائل و آرزوها و مصاف‌های واقعی مردم یا خبر ندارند و یا خبردارند و می‌خواهند با چنین پیش‌بینی‌های «داهبانه» مخدوش کنند. مطمئناً کارگران آذربایجانی ترک‌زبان که معیشت و حرمتش و انسانیتشان به همراه همکاران و هم‌طبقه‌ای‌های کردزبان‌شان دائماً زیر تعرض خون‌خوارانی به نام سرمایه‌داران اسلامی است به این ترهات می‌خندند.

دلیل مشخص دقیقاً مربوط است به مقاومت مردم کوبانی در مقابل توحش داعش و همبستگی انسانی وسیعی که این مقاومت در سطح جهان به خودش جلب کرده است. در نگاه قوم پرستانه ناسیونالیسم ترک این مقاومت «ملت کرد» در مقابل هیولایی است که انزجار و نفرت کم‌سابقه‌ای در جهان به وجود آورده است و چنین مقاومتی اولاً، می‌تواند برای مردم کردزبان اعتباری جهانی کسب کند و بازار شیطان سازی از این مردم را کساد کند و ثانیاً، ممکن است فضای سیاسی را برای تحرک ناسیونالیسم کرد مساعدتر کند و موقعیتش را در توازن قوای منطقه‌ای را تقویت کند.

**فراز آزادی: تا چه حدی این نوع تبلیغات سیاسی در راستای سیاست‌های دولت ترکیه قرار دارد؟**

**محسن ابراهیمی:** از نقطه نظر دولت ترکیه دست بالا پیدا کردن انواع نیروهای اسلامی سنی در منطقه و مشخصاً در سوریه دست این دولت را برای اعمال نفوذ سیاسی در آینده سوریه بازتر می‌کند. به همین دلیل ترکیه از همان اول در راه افتادن و میدان گرفتن باندهای اسلامی سنی از جمله داعش نقش مهمی داشته است و همین سیاست را در جریان محاصره کوبانی ادامه داد. از نظر دولت ترکیه پیروزی مردم کوبانی بر داعش اولاً، دست مردم کردزبان در مقابل دولت ترکیه را در کشمکش قدیمی‌شان قوی‌تر می‌کند، ثانیاً ناسیونالیسم کرد را در مقابل دولت ترکیه قوی‌تر می‌کند و نهایتاً یک شکست جدی بر داعش تحمیل می‌کند که ابداً موردعلاقه ترکیه نیست.

به این ترتیب دولت ترکیه به طرق مختلف در نبرد میان مردم کوبانی و داعش در مقابل این مردم سنگ‌اندازی کرد و ناسیونالیسم ترک هم در همین جهت به زنده دولت ترکیه تبدیل شد؛ فعالانه در لجن پاشی دولت ترکیه به مقاومت مردم سهیم شد؛ دقیقاً مثل دولت ترکیه علیه مردم کوبانی شانتاژ کرد و آن‌ها را تروریست و تظاهرات در همبستگی با آن‌ها در ایران و منطقه را تظاهرات تروریست‌ها لقب داد.

هرکسی فضای رسانه‌های ناسیونالیسم ترک را کمی دنبال کرده حتماً متوجه شده است که در ماه‌های گذشته هرچقدر همبستگی جهانی با مردم کوبانی بیشتر شده و مایه شور و شغف انسان‌های آزادپنخواه و عدالت‌طلب گشته است، همان قدر کدورت و خصومت بیشتری در میان قوم‌پرستان ترک برانگیخته است. کسانی که به درجه غلیظ بودن آلیاژ قوم پرستانه‌شان، از احساسات و عواطف و انگیزه‌های انسانی هم بیشتر خالی می‌شوند.

من شک دارم وقتی دست‌اندرکاران گونا تی‌وی اعتراضات مردم در ترکیه را به‌صورت خبر زیر تنظیم می‌کردند حتی ذره‌ای احساس شرم کرده باشند:

«گفتنی است که در اوایل اکتبر حرکت‌های اعتراضی در ترکیه به بهانه پشتیبانی از کوبانی به خشونت انجامید و باعث کشته شدن دست‌کم ۳۰ نفر

بخواند و منبع خبر را نداند فکر می‌کند از خبرگزاری خود حکومت اسلامی است. به این خبر دقت کنید:

”... پیش‌تر سردار سرتیپ آذربایجانی، مصطفی محمد نژاد در درگیری با تروریست‌های پژاک در منطقه خوی در غرب آذربایجان به درجه رفیع شهادت نائل شده بود.“

اگر کسی امضای گوناختی‌وی را زیر این خبر نبیند حتماً فکر می‌کند که دارد صفحات سایت وزارت اطلاعات را می‌خواند.

به‌عنوان مثالی دیگر: درحالی‌که مردم آذربایجان - چه کردزبان و چه ترک‌زبان - درگیر یک کشمکش مرگ و زندگی با یکی از خون‌خوارترین حاکمیت‌های تاریخ هستند گوناختی‌وی و دیگر سایت‌های قوم‌پرستان ترک از ”توطئه اکرادی که زمین‌های ترک را می‌خرند“ تا مثلاً آذربایجان را ”کردیزه“ بکنند صحبت می‌کنند! در یک لجنزار ناسیونالیستی دیگر به نام ”جنبش اخراج تروریست‌های کرد از آذربایجان“ علیه تظاهرات باشکوه مردم کردستان در همبستگی با کوبانی با عباراتی نظیر ”تحرك تروریست‌های کرد“ لجن‌پاشی می‌کنند! حتی از ماه محرم هم غافل نمی‌مانند و دست می‌برند به کیسه لمپنیسم اسلامی که معمولاً در ماه محرم گل می‌کند تا از این طریق هم اهداف کثیفشان را پیش ببرند. مثلاً در همین سایت شیعه‌گری را بازوی دوم ”تورکچیلیق“ اعلام می‌کنند و از قمه‌کش‌های متمرکز در هیئت‌های عزاداری می‌خواهند که دسته‌های عزاداری را به محله‌های کردنشین بکشانند و ”تورکچیلیق“ را در این محلات فریاد بزنند! این‌ها فقط نمونه‌هایی از جنون سیاسی ناسیونالیسم ترک است.

مختصر اینکه، یکی از مهم‌ترین خدمات سیاسی ناسیونالیسم قوم‌پرست ترک به جمهوری اسلامی تلاش بی‌وقفه‌اش برای تفرقه انداختن در میان مردم ایران، در اتحاد و همبستگی مردم علیه جمهوری اسلامی است. تحرك این نیروها به حال مبارزه مردم برای رهایی از حکومت اسلامی مضر است. با این حساب باید تأکید کرد که یک وظیفه مهم جنبش‌های پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب در مسیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، افشا و منزوی‌تر کردن و نهایتاً کنار زدن کامل این جریان است.\*

**فراز آزادی: این نوع تبلیغات فاشیستی علیه مردم کرد در همسوئی کامل با سیاست‌های داعش‌های حاکم بر ایران نیز می‌باشد. به نظر شما چگونه می‌توان این همسوئی سیاسی تبلیغی را توضیح داد؟**

**محسن ابراهیمی:** قبلاً یادآوری کردم که اگر برای مردم آذربایجان این حکومت اسلامی است که منشأ تباهی زندگی مردم است؛ در مقابل ناسیونالیسم ترک ”ملت فارس“ و ”ملت کرد“ را به‌جای جمهوری اسلامی به‌مثابه مسبب قرار می‌دهد. از منظر آن‌ها، اگر در آذربایجان فقر و بیکاری و اعتیاد بیداد می‌کند علتش سلطه سرمایه‌داری اسلامی و حکومتش نیست؛ علتش ”فارسیست‌ها“ یعنی مردم فارس زبان، ”تروریست‌های کرد“ یعنی همان کارگران مهاجر کرد و سکنه کردزبان منطقه هستند؛ اما تحریک علیه فارس و کرد به‌مثابه منشأ وضعیت مردم دقیقاً همان است که جمهوری اسلامی می‌خواهد. ناسیونالیسم ترک قاعدتاً باید برای این خدمتگزاری سیاسی به حاکمیت اسلامی پورسانت گردن‌کلفتی از حکومت بگیرد!

حکومت اسلامی اگرچه برای حفظ و توسعه نفوذ سیاسی خود در سوریه و عراق به یک پای تلاش برای تضعیف و عقب‌راندن داعش در منطقه شده است اما مثل همه دول درگیر منطقه چشم دیدن پیروزی مردم کوبانی بر داعش را ندارد. چراکه چنین اتفاقی فضا را برای تحرك مردمی در مقابل فاشیسم اسلامی از جمله خود جمهوری اسلامی آماده‌تر می‌کند. به یک معنا می‌توان گفت هم پیشروی‌های داعش یک‌بار دیگر چهره خونین و چرکین اسلام سیاسی را در مقابل چشم مردم جهان قرارداد و از این نظر اسلام سیاسی و حکومت‌هایش از جمله جمهوری اسلامی را بی‌آبروتر کرد و هم شکست داعش آن‌هم توسط مردم به حال جمهوری اسلامی مضر است.

ناسیونالیسم ترک با اهداف و انگیزه‌های متفاوتی اما دقیقاً هم‌جهت با جمهوری اسلامی برای خدشه‌دار کردن مقاومت کوبانی به تحركات زیادی دست‌زده است و می‌زند. در این مسیر گاه‌ها حتی به رفتارها و سخنان مسخره متوسل می‌شود. مثلاً دولت ترکیه در تظاهرات آدم می‌کشد و این‌ها تبلیغ می‌کنند که تظاهرکنندگان کرد خودشان همدیگر را کشته‌اند! بعضاً حتی اخبار و رویدادها را طوری تنظیم و تبلیغ می‌کنند که اگر کسی خبر را





## یک زغال سنگ، یک جان!

لیلا یوسفی

و کاری از دستمان برنیامده است و دسترسی امداد به آن‌ها بسیار سخت شده است.

باوجود فضای امنیتی که بعد از حادثه ایجاد شده بود. کارگران معادن اطراف به کمک دوستان و همکاران خود آمدند و شبانه و روز برای خروج آب و کندن زمین تلاش کردند. یکی از آن‌ها گفت: "دوازده ساعت به‌طور مداوم به کندن زمین ادامه می‌دهیم، اما به دلیل ریزش‌های فراوان، گاهی تنها یک متر از زمین گود می‌شود. غذا خوردن و استراحت کردن یادمان می‌رود، تنها به تلاشمان ادامه می‌دهیم و امید داریم که آن‌ها را زنده پیدا کنیم."

خانواده‌های معدنچیان گرفتار در معدن، از همان روز در محل حادثه حاضر شدند. از آنجاکه هر دو یا سه کارگر، همه از یک فامیل و خانواده بودند، این اتفاق ضربیه سنگینی و شوک بدی برای آن‌ها بود. نوزاد یکی از کارگران محبوس مانده در معدن، در همان روزها متولد شد. مردی در مصاحبه با تلویزیون می‌گفت: "هم پسر و هم داماد آنجا گرفتار شدند." بعد از گذشت ده روز و کم‌رنگ شدن امید به یافتن آن‌ها تا این لحظه تنها دو جسد را از زیرزمین بیرون کشیدند و امیدوارند که حداقل بتوانند به بقیه‌ی اجساد دست پیدا کنند.

فروش معادن به شرکت‌های خصوصی بیش از پیش بلای جان کارگران شده است. وضعیت حقوق، بیمه، ساعات کاری طولانی و سنگین، بدون تقبل کردن هزینه‌ی جای خواب و غذا و استفاده از نوجوانان و کودکان برای کار در معدن و تعداد فراوانی کارگر سیاه و غیررسمی و از همه مهم‌تر نبود اتاق ایمنی با امکانات موردنیاز در وقت حادثه، از مشکلات واگذاری معادن است. کارگران شرکت‌های مختلف، دولت حاکم را مقصر این اتفاقات شوم می‌دانند و تابه‌حال پاسخی از جانب دولت دریافت نکردند.\*

مردم ترکیه می‌گویند: "در ترکیه برای یک زغال‌سنگ، دارد یک جان از دست می‌رود."

دلیل عمده‌اش و آنچه موجب اعتصابات و اعتراضات مداوم کارگران و مردم شده، واگذاری معادن به شرکت‌های خصوصی است. بعد از حادثه‌ی تلخ معدن "سوما" در شهر "مانیسا"، حدود شش ماه پیش که نزدیک به سیصد کشته را به‌جا گذاشت. در شب جشن جمهوریت ترکیه و زمانی که کارگران جان به لب رسیده‌ی معدن بار دیگر در حال تدارک یک اعتراض وسیع بودند و قصد داشتند از "مانیسا" تا شهر "آنکارا" را پیاده طی کنند. خبر حادثه‌ی شوم دیگری از معدن "کارامان" در شهر "ارمنک" سر تیتیر خبرها شد و آن‌ها نیز از میانه‌ی راه، به‌قصد کمک و یاری راهی آن منطقه شدند. ولی پلیس در شهر دیگری به نام "اوشاک" سد راه آن‌ها شد و باوجودی که رفتنشان به آن منطقه منع قانونی نداشت، نتوانستند به مسیر خود ادامه بدهند.

در "کارامان" چه اتفاقی افتاده بود؟

در ساعتی که کارگران مشغول خوردن ناهار در معدن بودند، (طبق قانون جدید، به دلیل مسائل مالی و کمبود بودجه از طرف شرکت مربوطه که شرکتی خصوصی است، دیگر غذای رایگان به آن‌ها داده نمی‌شود). آب وارد معدن می‌شود و راه خروجی را مسدود می‌کند. به‌این ترتیب، بازهم به خاطر نبود اتاق ایمنی با امکانات لازم تعدادی از کارگران گرفتار می‌شوند. در طول دو سال اخیر، مشکل ورود آب به معدن وجود داشته، اما به‌وسیله‌ی پمپ‌ها جلوی آن گرفته شده بود.

صاحب معدن که نزدیک به حزب حاکم ترکیه است، در گفتگویی خبری اعلام کرد: "که این مشکل ما نیست! مشکل وجود آب‌های زیرزمینی فراوان است." وزیر انرژی طی مصاحبه‌ای گفت: "متأسفانه آب همچنان بالا می‌آید

## هر طور که بخوانید مقصر جمهوری اسلامی است!

سپند مطلق



مخالفانش است، این اولین بار نیست که رژیم برای دستگیری معترضان از طرح‌هایی با عناوینی چون "جمع‌آوری اراذل و اوباش"، "بزهکاران اجتماعی" و یا "معتادان" استفاده می‌کند. بارها و

بارها شاهد بودیم که جمهوری اسلامی برای دستگیری معترضان از چنین روشی استفاده کرده و با زدن انگ‌هایی چون معتاد و موادفروش به معترضان و جوانان جامعه آن‌ها را روانه سلول‌های زندان و جوخه‌های اعدام کرده است. ما این نوع اخبار و ماهیت آن را می‌شناسیم. خبر را از هر طرف که بخوانیم و برداشت کنیم جمهوری اسلامی محکوم و عامل اصلی و متهم ردیف اول آن است.\*

فرمانده انتظامی کلان‌شهر تبریز از جمع‌آوری و دستگیری بیش از ۲ هزار و ۶۶۶ نفر معتاد خطرناک در شش ماه نخست امسال خبر داد.

به قدری آمار بالا است که بی‌شک در لحظه اول شوک و ناباوری را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند، برای چند لحظه به این خبر اطمینان کنیم؛ ۲،۶۶۶ معتاد در شهر، چه عاملی باعث اعتیاد آن‌هم در این وسعت شده است، مواد مخدر با این حجم از چه طریقی وارد شهر شده است؟ حتی باور به صحت داشتن خبر نیز نمی‌تواند انگشت اتهام را از روی جمهوری اسلامی بردارد، جمهوری اسلامی و سران سپاه پخش‌کننده اصلی مواد مخدر در جامعه‌اند و همچنین عامل اصلی اعتیاد جوانان سیاست‌های شکست‌خورده رژیم در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در جامعه است که باعث سرخوردگی و بی‌افقی در جوانان و مردم جامعه و روی آوردن به اعتیاد است. ولی آنچه در این خبر نهفته است شیوه کثیف جمهوری اسلامی در دستگیری معترضان و

## جمهوری اسلامی عامل اصلی اعتیاد در جامعه!

سروناز سینا



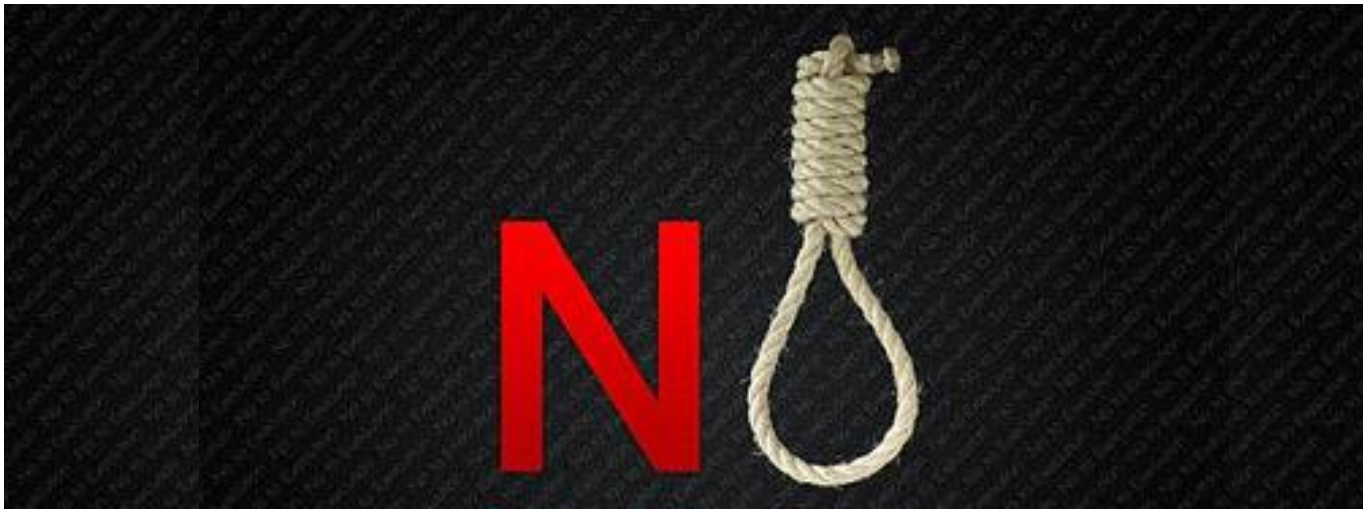
کنفرانس‌های خود رژیم که میلیون‌ها صرف برگزاری آن می‌شود مدام این شعار دهان‌پرکن را در بوق می‌کنند اما در عمل با معتادین به‌عنوان مجرم برخورد می‌شود. معتادان و بزهکاران اجتماعی محصول بی‌لیاقتی و فرهنگ عقب‌مانده خود حکومت هستند و برای لاپوشانی آنچه خود کاشته‌اند، هر چند وقت یک‌بار با داس‌های خونین به جان این جماعت که اکثراً هم جوان هستند، می‌افتند. این روزها در ایران و در هر خانواده‌ای فردی یافت می‌شود که گرفتار اعتیاد به مواد مخدر است. سرخوردگی و عدم اطمینان به فردا و آینده از مهم‌ترین عوامل رواج اعتیاد در ایران است. باید برای تغییر این شرایط از همین امروز دست‌به‌کار شد و ریشه‌های این آسیب اجتماعی را شناخت. جامعه و مردم باید به حمایت فعال از معتادان و بزهکاران مخصوصاً نوجوان و کودک بپردازند و با خودسازمان‌دهی، انجمن‌هایی برای درمان آن‌ها ایجاد کنند.\*

تسنیم در ۱۱ آبان نوشت: "معتادان خطرناک در تبریز جمع‌آوری شدند." پلیس گفته در اجرای این طرح تعداد ۹۷ نفر معتاد خطرناک دستگیر و به کلانتری‌ها دلالت داده شدند.

معتادین خطرناک در تبریز دستگیر و جمع‌آوری شدند اما اسیدپاشان مظلوم در اصفهان هنوز جمع‌آوری نشده‌اند. به‌واقع کدام معتاد با کوله باری از مشکلات می‌تواند خطرناک باشد. معتادان در ایران به‌غیر از آسیب رساندن به خود و خانواده‌شان چگونه خطری برای دیگران دارند درحالی‌که اراذل و اوباش سازمان‌یافته رژیم که روزانه به هزاران حریم شهروندی تجاوز می‌کنند، آزادانه راه می‌روند.

تبریز شهری است که شهروندانش به‌طور کلی برای نظام و حاکمیت جمهوری اسلامی خطرناک به‌شمار می‌روند. امروز ۹۷ معتاد "خطرناک" و فردا هزاران دانشجوی "خطرناک" و روز دیگر انسان‌های تشنه آزادی "خطرناک". از سال‌ها پیش تلاش شده تا اعتیاد جرم جنایی شناخته نشود و با پدیده اعتیاد به‌عنوان یک بیماری برخورد شود. در سمینارها و





## گسترش اعدام‌ها در تقابل با اعتراضات مردمی!

فراز آزادسر

داد که نه تنها مردم مرعوب نشده‌اند، بلکه از هر فرصتی برای ابراز وجود اجتماعی‌شان استفاده می‌کنند. بی‌داده‌های رژیم از روز اول روی کار آمدنش با اتکا به سیستم قضائی کثیف و قرون‌وسطایی اسلامی مملو از احکام اعدام و دست بردن و چشم درآوردن بوده که ربطی به زندگی بشر در قرن بیست و یک ندارد. این سیستم قضائی به ابتدایی‌ترین استانداردهای قضائی بشر امروز در جهان بی‌ربط است و جنایتکاران تکیه بر اینکه قدرت تنها به قصد مرعوب جامعه حکم قضائی صادر می‌کنند. در طول ۳۵ سال گذشته هرساله تعداد وقوع جرم در ایران افزایش یافته، چراکه خود جمهوری اسلامی باعث‌وبانی هرگونه جرم و جنایت می‌باشد. رژیمی که سال‌هاست قتل و کشتار و تجاوز را در ابعاد سازمان‌یافته در کهریزک‌ها و اوین‌ها مرتکب شده، رژیمی که سرانش، در ابعاد میلیاردی به دلار و یورو ثروت‌های بیکران آن جامعه را به غارت برده‌اند و می‌برند، حق نشستن در مقام قضاوت در دادگاه‌ها را ندارد. تمامی احکام صادره در سیستم قضائی ایران کاملاً بی‌اعتبار و از نظر بشر متمدن امروز فاقد ارزش حقوقی است. مردم معترض بدون شک ساکت نبوده و نخواهند نشست و در آینده سیاسی ایران، با به دست گرفتن اختیار زندگی‌شان در آن جامعه، قوانین قضائی مبتنی بر انسان و انسانیت را پایه‌ریزی خواهند کرد و در اولین دادگاه خود سران رژیم را در جایگاه متهم خواهند نشاند. سران این نظام و اعوان‌انصارشان بزرگ‌ترین مجرمین علیه بشریت‌اند. \*

خبرگزاری‌ها و فعالان حقوق بشر در رابطه با وضعیت اعدام‌ها در زندان‌های ایران این‌چنین گزارش کرده‌اند:

”در دو هفته اخیر دستکم ۵۵ نفر در شهرهای ایران اعدام شدند که ۱۲ مورد آن در زندان ارومیه صورت گرفته است.“ فعالان حقوق بشر می‌گویند: ”در حال حاضر دستکم ۲۰۰ زندانی در زندان مرکزی ارومیه در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می‌برند. در میان ۲۰۰ نفر محکوم‌به اعدام موجود در زندان ارومیه دستکم ۹ زندانی سیاسی کرد وجود دارد.“

از منظر داعشی‌های حاکم بر ایران اعدام تنها راه مقابله با مردم معترضی است که هرروزشان را با امید به زیر کشیدن حاکمیت منحوس جمهوری اسلامی شب می‌کنند. بالا رفتن تعداد آمارهای اعدام در ایران دقیقاً ارتباط دارد با وضعیت حکومتی که جز نکبت و سیاهی برای زندگی مردم به ارمغان نیاورده است و هرروزه با بحران اجتماعی و سیاسی وسیعی روبروست و پایانی جز سرنگونی برایش متصور نیست. اختصاص ۱۲ نفر اعدامی در دو هفته یعنی ۲۰ درصد آمارها به زندان ارومیه نشان از اوضاع بحرانی آذربایجان غربی در دوره حاضر است. این منطقه دارای مرز مشترک با کشورهای ترکیه و عراق دارد که هر دو این کشورها کانون بحران بوده و وجود اعتراضات مردم در شهرهای ترکیه در حمایت از کوبانی و همچنین اوضاع کردستان عراق تأثیرات اجتماعی و سیاسی زیادی بر منطقه دارد و در همین رابطه است که تعداد ۹ نفر از زندانیان سیاسی کرد در میان محکومین اعدام قرار دارد. رژیم تاکنون قادر به خاموش کردن صدای اعتراض جامعه نشده است و به‌عبث تلاش دارد با ادامه اعدام و کشتار زندانیان جامعه را مرعوب نماید. اعتراضات مردم در شهرهای کردستان و آذربایجان در حمایت از کوبانی و کمک‌های مالی‌شان به مردم سنجار، نشان

با نشریه سپند

همکاری کنید!

## روی خط تماس

## بخش از نظرات بینندگان برنامه ترک تلویزیون کانال جدید

ترجمه و تنظیم: فراز آزادی

موضوع برنامه: اعدام قتل عمد دولتی است!

هموطنان ما که زنگ می‌زنند و می‌گویند که شما در خارج از کشور نشسته‌اید، چه کار می‌کنید؟ و چرا این طوری حرف می‌زنید؟ باید بگویم که آقایان! این بلا را جمهوری اسلامی با اسلامش، با داعش ایرانی‌اش به جان ما انداخت و صورت مسئله را پاک کرد! در این مملکت هر کسی که اعتراض می‌کند و معترض است، هر کسی که می‌گوید آقا من این سیستم را نمی‌خواهم، می‌خواهم آزاد زندگی کنم، آزادانه انتخاب کنم، چیزی را که دوست دارم می‌خواهم انجام بدهم بدون اینکه به کسی آزاری برسانم، یکبار به دنیا آمدم و می‌خواهم آزاد زندگی کنم، جوابش اعدام است! در مقابل این امامی که شما آورده‌اید! این پیغمبری که آورده‌اید، همه چیز را از بین برده‌اید! من این‌ها را نمی‌خواهم، مجازات اعدام را نمی‌خواهم! الآن هم اینجا به نوبه خودم می‌گویم که: اعدام کاری را درست نمی‌کند و باید برچیده شود و از بین برود. از قرون وسطی که اعدام در دنیا صورت می‌گرفت، بالاخره و در نهایت، بشر به جایی رسید که مجازات اعدام را برداشت. اگر قرار بود که اعدام کاری انجام دهد، الآن باید مشکلات از بین می‌رفت! در همین اروپا بعد از برچیدن اعدام، مشکلات خیلی کمتر شده است. موفق باشید.

”می‌خواستم درباره اعدام صحبت کنم. در رابطه با نظر یکی از بینندگان تلویزیون که گفت: ”کسانی که تجاوز می‌کنند، فساد می‌کنند، دزدی می‌کنند را باید اعدام کرد.“ به نظر من در جامعه کنونی ایران که مردم از نظر فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی عقب نگه‌داشته شده‌اند و آزادی نیست، رابطه انسانی با انسان دیگر با شلاق و زندان مواجه می‌شود، هیچ امکانی برای زندگی به عنوان انسان در آن جامعه وجود ندارد، معلوم است که تجاوز اتفاق می‌افتد، معلوم است که دزدی خواهد شد و همچنین جرم‌های دیگر! جمهوری اسلامی خودش عامل است، علت خود جمهوری اسلامی می‌باشد که باید محکوم شود و نه مردم! از طرف دیگر در خود این سیستم قضائی، قاضی و وکیل اصلاً معنی ندارد! این سیستم قضائی اصلاً صلاحیت ندارند که به جرم رسیدگی کنند. وکیل‌های درست‌وحسابی را به زندان می‌اندازند! کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی کثیف و ضد انسانی است. با اعدام که نمی‌شود جرم را از بین برد و امنیت ایجاد کرد! با اعدام تجاوز و دزدی و فساد از بین نمی‌رود. همه این معضلات با از بین رفتن جمهوری اسلامی از بین خواهند رفت. خودشان در کهریزک چقدر تجاوز کردند، مگر عاملین و آمرین این تجاوز سازمان‌یافته را محاکمه کردند و اعدام کردند؟ می‌خواستم به مردم فراخوان بدهم که برای نجات محکومین به اعدام باید در مقابل در زندان‌های رژیم تجمع کرد، باید اعتراض نمود، مردم باید با اتحاد و مبارزه این رژیم را به عقب‌نشینی وادار کرد، این رژیم را باید در نهایت از میان برداشت تا معضلات جامعه حل شود.

”می‌خواستم بگویم که این اعدام‌ها را که راه انداخته‌اند و در مقابلش اعتراض و مقاومت صورت می‌گیرد، تأثیر حزب شماس است. من خودم اول از همه این جمله را ”اعدام قتل عمد دولتی است.“ از حزب شما شنیده‌ام و الآن می‌توانم به یقین بگویم که این نگرش به همه احزاب، از راست تا چپ، راه پیدا کرده است، به شما آفرین می‌گویم. دوم اینکه این همشهری‌های ما، این

## نشریه سهند

سال اول - شماره پست و دوم

۱۷ آبان ۱۳۹۳ - ۸ نوامبر ۲۰۱۴

سردبیر: سهند مطلق

Sahand.publication@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

www.sahand-azadi.com

www.facebook.com/sahandazadiwpi



مشخصات ماهواره هات برد:  
فرکانس ۱۱۲۰۰ - اف ای سی ۵/۶ عمودی  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰  
شبکه negah e shoma

تلویزیون کانال جدید در سایت  
GLWIZ زیر اسم NEGAH E  
SHOMA نیز قابل مشاهده است.  
WWW.GLWIZ.COM

## برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی

تهیه کننده و مجری: محسن ابراهیمی

هر هفته شنبه‌ها

۹ تا ۱۱ شب تهران ۶:۳۰ تا ۸:۳۰ اروپای مرکزی

این برنامه همزمان در اینترنت قابل دسترسی است

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: +۹۸۹۶۹۸۱۳۱